

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاښد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

جیلانی لیب

۱۳ مارچ ۲۰۱۰

شیوه ای از نقد

بخش نخست

ادبیات زبان المانی در تاریخ پر خم و پیچ خویش با دوران های شگوفائی شعر، داستان و نمایشنامه و کسانی چون گوته، هرمان هسه، توماس من، ماکس فریش، برتولت برشت و دورن مات منتقدین برجسته ای را پرورش داده و همگام خویش داشته است، هم در المان فدرال، هم در جمهوری دموکراتیک المان تا زمان فروپاشی اش در اواخر قرن بیستم میلادی و همچنان در کشورهای اتریش و سوئیس که بخشی از مردم آن المانی زبانند. علاوه از شاعران و نویسندگان مشهور این حوزه فرهنگی که گهگاهی نقد نویسی نیز نموده اند، باید از شلگل Schlegel و یواخیم کایزر Joachim Kaiser یاد آوری نمود، زیرا آنها هم در چگونگی ساختار ادبیات این خطه تأثیر به سزائی داشته اند. از آغاز نقد ادبی آلمان با لیسینگ Lessing در سده هجدهم میلادی تا کنون کمتر کسی وجود داشته که نوشته هایش به میزان نگاشته های رانیسکی Marcel Reich-Ranicki مورد توجه نویسندگان و خوانندگان ادبیات المانی قرار گرفته باشد.

رانیسکی منتقدیست بی تعارف، با قاطعیتی صادق و صمیمی که جمله معروف - من را شیلر بگو تا ترا گوته بنامم - هرگز بر او صدق نمی کند.

نقد وی به منزله حکم دادستانیست که محکومیت یا تبرئه کسی را اعلام نماید. با نظر رانیسکی کتابی در چند روز از همه کتابفروشی ها نایاب میشود و یا مدت ها در قفسه ها جابجا می ماند. رانیسکی زاده ۱۹۲۰ میلادی، تبعیدی حصار وارشاو توسط فاشیسم المان که زمانی اندیشوار کمونیسم، مدتی پس از جنگ دوم جهانی تا آغاز محاکمه سیاستمداران یهودی در بیشتر کشورهای اروپای شرقی، قونسول کشور پولند در لندن بود، از سال میلادی ۱۹۵۸ به اینطرف دوباره به المان زندگی میکند، سرگذشتی دارد پر از فراز و نشیب.

رانیسکی با بیان اینکه ادبیات تا حالا هرگز نتوانسته از جنگی جلوگیری بعمل آورد، می افزاید که ما بیش از همه باید جامعه انسانی و عواقب آنرا بدون موجودیت ادبیات پرسش گونه برای خویش مجسم سازیم تا برعکس آن. از نظر رانیسکی شرایط خفقان و زمان سانسور می تواند به گونه ای عصر اعتلای ادبیات نیز باشد، هم برای نویسنده و هم برای خواننده. نویسنده در چنین حالتی مجبور می گردد تا با واژه های هر چه دقیقتر و استفاده بیشتر از ابزار هنری، گفتنی هایش را در اثر ادبی بنگارش درآورد با درک این نکته یی عمده که هرچه نوشته اش شیواتر و رساتر باشد، حلقه های بیشتری به گروه خوانندگان اثرش می پیوندند. خواننده هم در چنین وضعی بین واژه ها و سطر ها را کنجکاوانه تر مطالعه می نماید تا آنچه را که می جوید، بیابد. این نکته اما نباید به هیچ عنوانی ترجیح شرایط زمان سانسور بر اوضاع صلح و آزادی تلقی گردد.

تعیین موضوع اثر ادبی، بدون اینکه آزادی نویسنده یا تعریف تعهد تعیین گردد، بیشتر از همه برای رانیسکی انسان، رنج انسان و عشق به انسان است. وی با محدودیت آزادی در انتخاب موضوع اصولاً مخالف است؛ رسالت نویسنده را در شرایط خاص جامعه یی و احوال سردچار به آن نادیده نمی گیرد و خموشی ویرا در چنان زمانی زیر سؤال قرار می دهد، با تأکید بر این مسأله که نویسندگی با گزارشگری کمتر سر و کار دارد.

رانیسکی با اتکا به حسن انتخاب و توانائی قضاوت درست و قاطعانه منتقد، یادآوری می نماید که یکی از پایه های معیار وی جالب یا خسته کن بودن اثر ادبی بر اساس انتقال احساسات بدون واسطه او میباشد و دلیل های ضروری

نقدش بر همین تهداب بعداً گردآوری و منسجم میگردند. با وجود اینکه مقیاس و هنجار معینی برای نقد ادبی تعریف نگردیده است، رانیسکی داشتن يك قاعده معیاری را که با آن قضاوت درست ادبی میسر است، ضروری می داند و بدین باور میباید که این راه و روش را هر منتقد خوب در مرور زمان برای خویش ایجاد و تعیین می کند . شیلر در یکی از نامه های خود به گوئته می نویسد ، هیچگونه قانون اساسی برای منتقد وجود ندارد که به آن مراجعه کند ؛ باید خودش هم بنیانگذار و هم پاسدار قانون باشد.

از آنجائی که اثر ادبی با همه خصوصیت های سرگذشت نگارانه نویسنده اش و با همه تبارز احساس و بازآفرینی واقعیت از دید فردی شخص نگارنده و استعداد و خلاقیتش با چاپ و پخش مال همه میشود ، رانیسکی بدین عقیده است که خواننده باید بصورت جدی تر آن مورد نظر گرفته شود تا وقت کمی را که در مطالعه می گذراند ، به هدر نرود .

يك اثر ادبی باهمه محتوای خوب و دلپذیر ، اگر خواننده را با خود نبرد ، به زودی موجب دلزدگی وی میشود و این خواست هیچ نویسنده نیز نمی باشد. جلوگیری از چنین حالتی تنها با همگامی فورم و محتوی میسر می گردد ؛ به فورم و محتوی هرگز نمیتوان از دیدگاه تجربیدی نگریست.

وی حتی برای نگارنده پیشنهاد می نماید که با مساعد ساختن شرایط قرائت اثر خود در يك جمع کتابخوان و کتابدوست و با درك احساس خستگی و کم علائگی ها ، امکان بازنگرش اثرش را برای خویشتن پیش از پخش و نشر آن فراهم گرداند .

رانیسکی منتقد ، هدف کارش را در نقد ادبی بصورت خلاصه، افزایش ادبیات برتر و خوانندگان برتر قلمداد مینماید؛ همین و بس .